

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده غرب شناسی و علم پژوهی
گروه فلسفه علم و فناوری

رساله دکتری رشته فلسفه علم و فناوری
ارزیابی انتقادی نظریه‌های علم دینی از منظر فلسفه علم
با تاکید بر واقع‌گرایی انتقادی

استاد راهنما:

دکتر عماد افروغ

استادان مشاور:

دکتر حمید رضا آیت‌اللهی

دکتر غلامحسین مقدم حیدری

پژوهشگر:

سید محمد تقی موحد ابطحی

فروردین ۱۳۹۴

سپاسگزاری

بر خود وظیفه می‌دانم از تمامی اساتیدی که در دوران تحصیل از محضر آنها بهره‌مند شده‌ام، تشکر و قدردانی کنم.

از دکتر مهدی گلشنی، بنیانگذار گروه آموزشی فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، که زمینه تحصیل در رشته فلسفه علم و پرداختن به موضوع علم دینی را فراهم ساختند.

از دکتر عماد افروغ که در کلاس‌های درس فلسفه علوم اجتماعی ایشان با نظریه واقع‌گرایی انتقادی آشنا شدم و با راهنمایی‌های ایشان این رساله با تأکیدی بر رویکرد واقع‌گرایی، استعلائی، دیالکتیکی و انتقادی انجام گردید.

همچنین از دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی و دکتر مقدم‌حیدری که از راهنمایی‌های ایشان در بهبود کیفی رساله استفاده کردم.

تقدیم به

پدر بزرگوارم که پس از سالها تحقیق، تدریس و تالیف، چند سالی است در بستر بیماری به اطرافیان درس صبر می‌دهند.

و

به مادر گرامی‌ام که با پرستاری‌شان، خود را همنشین اولیاء الهی گردانده‌اند.

و

همسر مهربانم بابت تحمل دشواری‌های دوران تحصیل.

چکیده

پس از آشکار شدن محدودیت‌های علوم جدید، تلاش‌هایی جهت رفع این محدودیت‌ها انجام گرفت. برخی از این تلاش‌ها درصدد ایجاد تحولی بنیادین در علم بودند، اما وجه مشترک تمامی آنها بسنده کردن به عقل خود بنیاد بشری بود. در مقابل جمعی از دینداران بر این باور شدند که مشکل گونه‌های مختلف مواجهه علمی با عالم و آدم ناشی از غفلت از خداوند است و بر این اساس کوشیدند تا معرفت و سلوک دینی را در فرایند علم‌ورزی به کار گیرند. تلاش‌های انجام شده در چهار دهه گذشته در این زمینه، جریانی را در عرصه علم پدید آورد که از آن با عنوان علم دینی یاد می‌شود و دیدگاه‌های موافق و مخالف بسیاری درباره آن مطرح شده است.

هر نظریه‌ای درباره علم دینی پس از ارائه تعریف خود از علم و دین باید به پرسش‌هایی از این دست پاسخ دهد: «آیا علم دینی معنادار است؟»، «آیا علم دینی ممکن است؟»، «آیا علم دینی ضروری است؟»، «آیا علم دینی مطلوب است؟»، «آیا علم دینی اخلاقی است؟»، «از چه راهی باید به علم دینی رسید؟»، «چرا اقدامات چهل سال گذشته به علم دینی منتهی نشده است؟»، «علم دینی چه آینده‌ای دارد؟»

در این تحقیق با بهره‌گیری از دیدگاه‌های مختلف مطرح در فلسفه علم به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود؛ به خصوص با توجه به ظرفیت‌های فلسفه واقع‌گرایی، استعلائی، دیالکتیکی و انتقادی روی بسکار در تحلیل ابعاد درونی و بیرونی یک نظریه علمی و همچنین کمتر شناخته بودن این دیدگاه فلسفی، که به صورت هماهنگ درباره فلسفه علوم طبیعی، فلسفه علوم انسانی و فراطبیعت اظهار نظر کرده است، در تحلیل علم دینی بر این دیدگاه تاکید بیشتری می‌شود.

این تحقیق نشان می‌دهد که علم دینی معنادار بوده و ادله موافقین علم دینی درباره امکان، ضرورت، مطلوبیت، اخلاقی بودن علم دینی در مجموع از ادله مخالفین این ایده قوی‌تر است. همچنین با توجه به ظرفیت‌ها و محدودیت‌های هر یک از رویکردهای ایده‌آل در زمینه علم دینی، بهره‌گیری از ترکیب منسجمی از آنها برای دستیابی به علم دینی مطلوب‌تر است. در نهایت هر چند ضعف عملکرد مراکز و افراد فعال در زمینه علم دینی کنونی در این مسیر را موجب شده است، اما با توجه به روند این ایده در چهل سال گذشته، در مجموع می‌توان به آینده آن، البته نه در کوتاه مدت، امید داشت.

کلیدواژه‌ها: تحول علم، علم دینی، فلسفه علم، واقع‌گرایی انتقادی، روی بسکار.

فهرست مطالب

۲	فصل اول: کلیات: مسئله، پیشینه، روش و مفاهیم مورد بحث در رساله
۳	۱,۰ مقدمه
۴	۱,۱ مسئله تحقیق
۵	۱,۲ پیشینه تحقیق
۷	۱,۳ اهداف تحقیق
۸	۱,۴ مبنا و روش تحقیق
۱۲	۱,۵ توضیح مفاهیم مورد استفاده در تحقیق
۱۳	۱,۵,۱ علم
۱۵	۱,۵,۲ علم جدید
۱۶	۱,۵,۳ طبقه بندی علوم
۱۸	۱,۵,۴ علوم انسانی و اجتماعی
۱۹	۱,۵,۵ تعریف علوم انسانی بر مبنای موضوع، هدف و روش
۲۱	۱,۵,۶ دین
۲۳	۱,۵,۷ مناسبات علم و دین
۲۵	۱,۵,۸ مناسبات علوم انسانی و اندیشه اسلامی
۲۶	۱,۵,۹ تحول علوم انسانی در غرب
۲۷	۱,۵,۱۰ تحول علوم انسانی در ایران
۲۹	۱,۵,۱۱ پارادایم
۳۰	۱,۵,۱۲ کاربرد پارادایم در علوم انسانی
۳۲	۱,۵,۱۳ علم دینی/اسلامی
۳۳	۱,۶ ساختار بحث
۳۴	۱,۷ تقدیر و تشکر
۳۶	فصل دوم: تاریخچه شکل گیری علوم انسانی جدید و علم دینی
۳۷	۲,۰ مقدمه
۳۸	۲,۱ تاریخچه شکل گیری علم و علوم انسانی جدید
۳۸	۲,۱,۱ علم اروپا در دوره باستانی
۴۰	۲,۱,۲ علم اروپا در قرون وسطی
۴۱	۲,۱,۳ انتقال علم یونان و روم به ایران و جهان اسلام

۴۲ رنسانس و اصلاح دینی	۲,۱,۴
۴۴ انقلاب علمی قرن هفدهم	۲,۱,۵
۴۷ نقش انقلاب علمی در توسعه تجربه گرایی و مقابله با آموزه‌های کلیسایی	۲,۱,۶
۴۸ انقلاب صنعتی قرن هجدهم	۲,۱,۷
۵۰ عصر روشنگری قرن هجدهم	۲,۱,۸
۵۲ انقلاب فرانسه	۲,۱,۹
۵۳ شکل گیری علوم انسانی جدید؛ اقتصاد	۲,۱,۱۰
۵۴ شکل گیری علوم انسانی جدید؛ روان شناسی	۲,۱,۱۱
۵۶ شکل گیری علوم انسانی جدید؛ جامعه شناسی	۲,۱,۱۲
۵۸ تحول خواهان علوم انسانی جدید	۲,۲
۵۹ نقد بنیادین کارل مارکس به علوم انسانی پوزیتیویستی	۲,۲,۱
۶۱ نقد بنیادین دیلتای به علوم انسانی پوزیتیویستی	۲,۲,۲
۶۳ علوم انسانی فمینیستی	۲,۲,۳
۶۶ علوم انسانی ضد استعماری	۲,۲,۴
۶۸ طبقه بندی پارادایمی جریان‌های موجود در حوزه علوم انسانی	۲,۲,۵
۷۱ پارادایم پوزیتیویستی	۲,۲,۵,۱
۷۳ پارادایم تفسیری	۲,۲,۵,۲
۷۶ پارادایم انتقادی	۲,۲,۵,۳
۷۹ تحول خواهان دینی علوم انسانی	۲,۳
۷۹ علم مسیحی	۲,۳,۱
۸۲ علم اسلامی	۲,۳,۲
۸۲ اولین رویارویی امت اسلامی با علوم تمدنهای دیگر	۲,۳,۲,۱
۸۶ دومین مواجهه امت اسلامی با علوم تمدنهای دیگر	۲,۳,۲,۲
۹۰ سه گونه مواجهه با دستاوردهای تمدن غرب	۲,۳,۲,۳
۹۲ سه مرحله مواجهه جهان اسلام با غرب در دو قرن گذشته	۲,۳,۲,۴
۹۵ علم عربی و بومی بدیل اسلامی سازی معرفت و علم دینی	۲,۳,۲,۵
۱۰۱ موج جدید اسلامی سازی علم و نهادهای علمی	۲,۳,۲,۶
۱۰۳ (الف) مراکز آموزشی و پژوهشی فعال در زمینه علم دینی در عرصه بین المللی	۲,۳,۲,۶
۱۰۴ (ب) همایش های برگزار شده در زمینه اسلامی سازی علوم در عرصه بین المللی	۲,۳,۲,۶
۱۰۶ (ج) نشریات فعال در زمینه علوم اسلامی در عرصه بین المللی	۲,۳,۲,۶
۱۰۶ ایده علم اسلامی در ایران	۲,۳,۲,۷
۱۰۷ (الف) مراکز تأسیس شده پس از انقلاب اسلامی مرتبط با ایده علم دینی	۲,۳,۲,۷

- ب) همایش‌های برگزار شده در زمینه تحول علوم انسانی و علوم انسانی اسلامی ۱۰۹
- ج) نشریات فعال در زمینه تحول علوم انسانی و علم دینی ۱۱۰
- فصل سوم: در باب معنا، امکان، ضرورت، مطلوبیت و اخلاقی بودن علم دینی ۱۱۲
- ۳,۱. معنای علم دینی. ۱۱۴
- ۳,۱,۱. محدوده اسلامی سازی علوم..... ۱۱۶
- ۳,۱,۲. معنای علم دینی از منظر واقع گرایی انتقادی ۱۲۱
- ۳,۲. امکان علم دینی ۱۲۲
- ۳,۲,۱. تبیین امکان علم دینی مبتنی بر مبانی فلسفی علم..... ۱۲۲
- ۳,۲,۲. تبیین جامعه شناختی امکان علم دینی ۱۲۴
- ۳,۲,۳. تبیین روان شناختی امکان علم دینی. ۱۲۵
- ۳,۲,۴. استناد به علم شناسی مابعداثباتگرایی جهت اثبات امکان علم دینی ۱۲۷
- ۳,۲,۵. تبیین تاریخی امکان علم دینی ۱۲۹
- ۳,۲,۶. ارزیابی امتناع علم دینی به استناد سابقه آن ۱۳۰
- ۳,۲,۷. ارزیابی امتناع علم دینی در مقام ثبوت ۱۳۲
- ۳,۲,۸. ارزیابی امتناع علم دینی در مقام اثبات ۱۳۳
- ۳,۲,۹. ارزیابی امتناع علم دینی نتیجه نگاه استقلالی به علم و دین ۱۳۵
- ۳,۲,۱۰. ارزیابی عینیت علم و امتناع علم دینی ۱۳۶
- ۳,۲,۱۱. وحدت روش علمی و امتناع علم دینی ۱۳۸
- ۳,۲,۱۲. امکان علم دینی از منظر واقع گرایی انتقادی ۱۴۲
- ۳,۲,۱۳. سه دلیل بر امکان علم دینی بر مبنای آراء مخالفان علم دینی ۱۴۳
- ۳,۲,۱۳,۱. امکان علوم انسانی و اجتماعی دینی به عنوان تکنولوژیهای انسانی. ۱۴۴
- ۳,۲,۱۳,۲. امکان علم دینی در روش شناسی حدسها و ابطالها. ۱۵۶
- ۳,۲,۱۳,۳. دفاع از علم دینی بر مبنای روش شناسی منطق موقعیت ۱۶۲
- ۳,۳. مطلوبیت علم دینی ۱۷۳
- ۳,۳,۱. جهت دار بودن مطلوبیت تلاش جهت تحقق علم دینی ۱۷۳
- ۳,۳,۲. بررسی ادله نامطلوب بودن تلاش برای تحقق علم دینی از جهت علم ۱۷۴
- ۳,۳,۳. بررسی ادله نامطلوب بودن تولید علم دینی از جهت دین..... ۱۷۷
- ۳,۳,۴. بررسی ادله نامطلوب بودن تولید علم دینی از جهت اجتماعی ۱۸۰
- ۳,۳,۵. مطلوبیت علم دینی از منظر واقعگرایی انتقادی ۱۸۳
- ۳,۴. اخلاقی بودن علم دینی ۱۸۴
- ۳,۴,۱. آیا علم ورزی به معنای عام میتواند موضوع احکام اخلاقی قرار گیرد؟ ۱۸۵

۱۸۶.....	۳,۴,۲,۱ . ملاحظات اخلاقی ایده علم دینی در مرحله مسئله‌گزینی
۱۸۸.....	۳,۴,۲,۲ . ملاحظات اخلاقی ایده علم دینی در مرحله فرضیه‌پردازی
۱۸۹.....	۳,۴,۲,۳ . ملاحظات اخلاقی ایده علم دینی در مرحله داوری
۱۹۰.....	۳,۴,۳ . ملاحظات اخلاقی در فراساختار علم دینی
۱۹۲.....	۳,۴,۴ . جمع‌بندی ملاحظات اخلاقی علم دینی
۱۹۳.....	۳,۵ . ضرورت علم دینی
۱۹۳.....	۳,۵,۱ . ضرورت علم دینی جهت غلبه بر مشکلات علم جدید
۱۹۵.....	۳,۵,۱,۱ . نقصان علم جدید دلیلی ناکافی برای ضرورت علم دینی
۱۹۶.....	۳,۵,۱,۲ . ناتوانی نتایج سوء علم جدید در اثبات ضرورت علم دینی
۱۹۸.....	۳,۵,۱,۳ . نقصان معرفت‌شناختی علم جدید، دلیلی ناکافی در اثبات ضرورت علم دینی
۲۰۱.....	۳,۵,۱,۴ . ناسازگاری علم جدید و دین، دلیلی ناکافی برای اثبات ضرورت علم دینی
۲۰۴.....	۳,۵,۲ . عدم کفایت عقل بشری و ضرورت علم دینی
۲۰۵.....	۳,۵,۳ . ضرورت علم دینی به استناد سرپرستی همه جانبه دین
۲۰۷.....	۳,۵,۴ . دینی‌گرایی در علم یک وظیفه معرفتی
۲۰۹.....	۳,۵,۵ . سنجش برهان‌های ناظر به مشکلات علوم جدید
۲۱۱.....	۳,۵,۶ . ضرورت علم دینی از منظر واقع‌گرایی انتقادی
۲۱۳.....	فصل چهارم: کلان‌رویکردهای علم دینی
۲۱۴.....	۴,۰ . مقدمه
۲۱۸.....	۴,۱ . رویکرد غیرمدیریتی در تحول دینی علوم انسانی
۲۲۱.....	۴,۱,۱ . مدیریت ناپذیری تحول علوم انسانی در تفکر هایدگری
۲۲۳.....	۴,۱,۲ . مدیریت ناپذیری تحول علوم انسانی در علم‌شناسی کوهنی
۲۲۵.....	۴,۱,۳ . مدیریت‌پذیری تحول علم از منظر واقع‌گرایی انتقادی
۲۲۶.....	۴,۱,۴ . ارزیابی رویکرد غیرمدیریتی به تحول علوم انسانی
۲۲۷.....	۴,۲ . رویکرد غیر معرفتی به تحول علوم انسانی
۲۲۸.....	۴,۲,۱ . رویکرد فردگرایانه به عوامل غیرعلمی موثر در تحول علوم انسانی
۲۳۰.....	۴,۲,۱,۱ . دیدگاه سروش درباره نقش تحول عالم در تحول علم
۲۳۱.....	۴,۲,۱,۲ . دیدگاه میرباقری درباره نقش تحول عالم در تحول علم
۲۳۲.....	۴,۲,۱,۳ . تحول‌کنشگر معرفتی لازمه تحول علم از منظر واقع‌گرایی انتقادی
۲۳۳.....	۴,۲,۲ . رویکرد جمع‌گرایانه به عوامل غیرعلمی موثر در تحول علوم انسانی
۲۳۳.....	۴,۲,۲,۱ . دیدگاه شهید صدر درباره نقش تحول واقعیت اجتماعی در تحول علم
۲۳۴.....	۴,۲,۲,۲ . دیدگاه میرباقری درباره نقش تحول واقعیت اجتماعی در تحول علمی

- ۲۳۵..... تحول در ساختار جامعه، لازمه تحول علم از منظر واقع گرایی انتقادی ۴,۲,۳
- ۲۳۶..... ارزیابی رویکرد غیرمعرفتی در تولید علوم انسانی ۴,۲,۳
- ۲۳۷..... رویکرد تهذیب و تکمیل علوم موجود ۴,۳
- ۲۳۸..... تقریرهای ارائه شده از رویکرد تهذیب و تکمیل علوم جدید ۴,۳,۱
- ۲۳۹..... نقدهای وارد شده به رویکرد تهذیب و تکمیل علوم موجود ۴,۳,۲
- ۲۴۰..... ارائه تقریری جدید از رویکرد تهذیب و تکمیل علوم موجود ۴,۳,۳
- ۲۴۱..... شناخت صحیح اسلام ۴,۳,۳,۱
- ۲۴۱..... شناخت دقیق علوم انسانی موجود ۴,۳,۳,۲
- ۲۴۳..... بررسی نسبت علوم انسانی جدید و معارف دینی ۴,۳,۳,۳
- ۲۴۳..... تهذیب علوم موجود ۴,۳,۳,۴
- ۲۴۴..... تکمیل علوم موجود ۴,۳,۳,۵
- ۲۴۵..... دوری قرائت جدید رویکرد تهذیب و تکمیل علوم موجود از نقدهای وارده ۴,۳,۴
- ۲۴۶..... امکان سازگاری محصول رویکرد تهذیب و تکمیل علوم انسانی موجود ۴,۳,۴,۱
- ۲۴۹..... روش اخذ و طرد در فرایند تهذیب علوم انسانی موجود ۴,۳,۴,۲
- ۲۵۰..... روش نظریه پردازی و تعامل فعالانه در عرصه علم ۴,۳,۴,۳
- ۲۵۱..... رویکرد تهذیب و تکمیل علوم انسانی موجود بهترین گزینه در دوران گذار ۴,۳,۵
- ۲۵۱..... تحقق خارجی رویکرد تهذیب و تکمیل علوم موجود ۴,۳,۶
- ۲۵۳..... ارزیابی نهایی رویکرد تهذیب و تکمیل علوم موجود ۴,۳,۷
- ۲۵۵..... تهذیب و تکمیل علوم موجود از منظر واقع گرایی انتقادی ۴,۳,۸
- ۲۵۶..... رویکرد استنباطی در تولید علم دینی ۴,۴
- ۲۵۷..... انگیزه استفاده از روش استنباطی در تولید علم دینی ۴,۴,۱
- ۲۵۸..... مبانی کلامی بهره گیری از رویکرد استنباطی برای تولید علم دینی ۴,۴,۲
- ۲۵۹..... الگوی استنباطی تولید علم دینی ۴,۴,۳
- ۲۶۱..... تاریخچه و کاربرد علم اصول و قابلیت آن در تولید علم دینی ۴,۴,۴
- ۲۶۲..... توانایی علم اصول در تولید علم دینی ۴,۴,۴,۱
- ۲۶۳..... توانایی علم اصول در تولید علم دینی ۴,۴,۴,۲
- ۲۶۴..... لزوم توانمند سازی علم اصول برای تولید علم دینی ۴,۴,۴,۳
- ۲۶۵..... روش های دیگر مورد استفاده در رویکرد استنباطی برای تولید علم دینی ۴,۴,۵
- ۲۶۵..... روش پیشنهادی پسندیده برای استنباط علوم انسانی از متون اسلامی ۴,۴,۵,۱
- ۲۶۷..... روش مورد استفاده کافی برای استنباط علوم انسانی از متون اسلامی ۴,۴,۵,۲
- ۲۶۸..... اعتبار سنجی دستاوردهای روش استنباطی ۴,۴,۶
- ۲۷۰..... مناسبات میان یافته های حاصل از رویکرد استنباطی و دستاوردهای علوم انسانی ۴,۴,۷

- ۴,۴,۸. ارزیابی نهایی رویکرد استنباطی در تولید علم دینی ۲۷۱
- ۴,۴,۹. تحلیل رویکرد استنباطی از منظر واقع گرایی انتقادی ۲۷۴
- ۴,۵. رویکرد مبنانگرا در تولید علم دینی ۲۷۶
- ۴,۵,۱. تقریرهایی از رویکرد مبنانگرا در تأسیس علم دینی ۲۷۷
- ۴,۵,۲. چگونگی دست یابی به مبانی اسلامی علوم ۲۷۹
- ۴,۵,۲,۱. تدوین مبانی علوم انسانی با استفاده از آیات و روایات ۲۷۹
- ۴,۵,۲,۲. تدوین مبانی علوم با بهره گیری از فلسفه اسلامی ۲۸۰
- ۴,۵,۳. نقصان فلسفه اسلامی موجود برای تولید علوم انسانی ۲۸۱
- ۴,۵,۴. به سوی فلسفه اسلامی مناسب برای تولید علوم انسانی ۲۸۳
- ۴,۵,۵. چگونگی گذر از مبانی فلسفی به نظریه علمی ۲۸۵
- ۴,۵,۵,۱. دسترسی به علم دینی از طریق خلاقیت در چارچوب مبانی اسلامی ۲۸۶
- ۴,۵,۵,۲. نقش مبانی اسلامی در اخذ و طرد نظریه‌های علمی ۲۸۷
- ۴,۵,۶. ضرورت آزمون تجربی نتایج حاصله از رویکرد مبنانگرا ۲۸۸
- ۴,۵,۷. نمونه ای از رویکرد مبنا محور در تأسیس علم دینی ۲۸۹
- ۴,۵,۸. ملاحظاتی درباره رویکرد مبنانگرایانه در تأسیس علم دینی ۲۹۱
- ۴,۵,۹. تحول در مبانی علم، لازمه دستیابی به علم دینی از منظر واقعگرایی انتقادی ۲۹۲
- ۴,۶. رویکردهای ترکیبی در تأسیس علم دینی ۲۹۳
- ۴,۶,۱. رویکرد ترکیبی جواد آملی در چگونگی دست یابی به علم دینی ۲۹۴
- ۴,۶,۲. رویکرد ترکیبی مصباح یزدی در دست یابی به علم دینی ۲۹۶
- ۴,۶,۳. رویکرد ترکیبی باقری در چگونگی دست یابی به علم دینی ۲۹۹
- ۴,۶,۴. رویکرد ترکیبی میرباقری در چگونگی دست یابی به علم دینی ۳۰۲
- ۴,۶,۵. رویکرد ترکیبی خسروپناه در چگونگی دست یابی به علم دینی ۳۰۳
- ۴,۶,۶. رویکرد ترکیبی حسنی و علیپور در چگونگی دست یابی به علم دینی ۳۰۵
- ۴,۶,۷. چگونگی پرهیز از فروافتادن در ورطه التقاط ۳۰۷
- ۴,۷. جمع بندی و نتیجه گیری فصل سوم ۳۰۹

فصل پنجم: چرایی تسلط رویکرد پوزیتیویستی در حوزه علوم و عدم تولید علم دینی ۳۱۵

- ۵,۰. مقدمه ۳۱۶
- ۵,۱. ارزیابی برخی از پاسخ‌های احتمالی چرایی عدم تحول علم و تولید علم دینی ۳۱۷
- ۵,۲. روش‌شناسی تحقیق ۳۱۸
- ۵,۳. علم‌شناسی در پرتو رابطه ساخت و عامل ۳۲۰
- ۵,۴. زمینه اجتماعی ورود علوم انسانی پوزیتیویستی به ایران ۳۲۱

۳۲۴.....	۵,۵. عوامل تداوم رویکرد پوزیتیویستی در علوم انسانی ایران.....
۳۲۵.....	۵,۶. آموزش و پژوهش کشور ریشه تداوم ناآگاهانه رویکرد پوزیتیویستی.....
۳۲۹.....	۵,۷. سیاستگذاری کشور عامل دیگر تداوم ناآگاهانه رویکرد غالب.....
۳۳۱.....	۵,۸. چگونگی رهایی از نظام علمی حاکم.....
۳۳۲.....	۵,۹. شکل گیری مدرسه اقتصادی لندن.....
۳۳۳.....	۵,۱۰. شکل گیری برنامه جدید در تعلیم و تربیت.....
۳۳۵.....	۵,۱۱. آسیب شناسی مراکز آموزشی و پژوهشی فعال در زمینه علم دینی.....
۳۳۷.....	۵,۱۲. ارزیابی عملکرد نظریه پردازان در زمینه علم دینی.....
۳۳۸.....	۵,۱۳. نقدی بر یک اثر در زمینه علم دینی از منظر واقع گرایی انتقادی.....
۳۳۸.....	۵,۱۳,۱. خلاصه ای از دیدگاه نویسنده در این فصل.....
۳۴۰.....	۵,۱۳,۲. جایگاه نقد در واقعگرایی انتقادی.....
۳۴۲.....	۵,۱۳,۳. نقد درونی دیدگاه نظری.....
۳۴۳.....	۵,۱۳,۴. نقد حذفی دیدگاه نظری.....
۳۴۵.....	۵,۱۳,۵. نقد تبیینی دیدگاه نظری.....
۳۴۸.....	۵,۱۳,۶. بررسی تطبیقی دیدگاه نظری و واقع گرایی انتقادی.....
۳۵۱.....	۵,۱۳,۷. غفلت از ظرفیت های واقع گرایی انتقادی در مطالعات میان رشته ای علم و دین.....
۳۵۴.....	۵,۱۴. جمع بندی و نتیجه گیری.....
۳۵۶.....	فصل ششم: آینده پژوهی علم دینی.....
۳۵۷.....	۶,۰. مقدمه.....
۳۵۷.....	۶,۱. اهمیت و ضرورت آینده پژوهی.....
۳۵۹.....	۶,۲. تاریخچه آینده پژوهی.....
۳۶۰.....	۶,۳. اهمیت آینده پژوهی علم دینی.....
۳۶۱.....	۶,۴. ارزیابی دیدگاه بی آینده بودن ایده علم دینی.....
۳۶۳.....	۶,۵. عدم تلازم امکان منطقی علم دینی و آینده داشتن علم دینی.....
۳۶۳.....	۶,۶. تحلیل روند علم دینی.....
۳۶۶.....	۶,۷. برنامه ریزی استراتژیک از طریق تحلیل موقعیت گفتمان علم دینی.....
۳۷۰.....	۶,۸. سند آینده نگاری علم دینی در ایران.....
۳۷۲.....	۶,۸,۱. نمونه ای از آینده نگاری مرتبط با علم دینی در ایران.....
۳۷۶.....	۶,۹. آینده علم دینی از منظر واقع گرایی انتقادی.....
۳۷۷.....	۶,۱۰. جمع بندی و نتیجه گیری.....
۴۰۳.....	کتابنامه.....

پیشگفتار

ایده علم دینی پس از چهار دهه پیگیری در جهان اسلام، امروزه در نظام دانشگاهی غرب ایده شناخته شده‌ای است که رساله‌های دکتری و تحقیقات چندی نیز درباره آن انجام گرفته است. در ایران نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این ایده با جدیت دنبال شد. مراکز متعدد آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، سیاستگذاری چندی برای تحقق این ایده تأسیس شدند. مقالات بسیاری در نشریات و همایش‌های علمی ارائه شده است. اساتید و پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی بسیاری در این زمینه نظریه پردازی کرده‌اند. بخشی از بودجه‌های آموزشی و پژوهشی کشور در این زمینه هزینه می‌گردد. بر این اساس دیگر نمی‌توان در عرصه تحقیق از این موضوع غفلت کرد و نسبت به آن بی‌تفاوت بود.

علم دینی از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. به لحاظ نظری باید در میان آراء موافق و مخالف این ایده معناداری، امکان، ضرورت، مطلوبیت، اخلاقی بودن و چگونگی تولید علم دینی را بررسی کرد و به این پرسش پاسخ داد که در مجموع به لحاظ نظری آیا این ایده را می‌توان در حال پیشرفت دانست؟ و آیا نظریه‌ای در این عرصه ارائه شده است که قابل رقابت با نظریه‌های موجود علمی باشد؟ و ...

از سوی دیگر با توجه به ارتباط نهاد علم با سایر نهادهای اجتماعی باید به پرسش‌هایی از این دست پاسخ داد که علم دینی و علم رایج با چه نسبتی از حمایت‌های ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور استفاده می‌کنند؟ سیاست‌ها و برنامه‌های مراکز فعال در زمینه علم دینی چه اندازه کارشناسی شده و قابل دفاع هستند؟ و در چنین بستری چه تصویری از آینده ایده علم دینی می‌توان داشت؟

در سال‌های گذشته ایده علم دینی، از دیدگاه‌های مختلف فلسفه علمی مورد ارزیابی قرار گرفته است. برخی در اثبات امتناع علم دینی از فلسفه‌های علم اثبات‌گرایی، ابطال‌گرایی، عقل‌گرایی انتقادی، پدیدار-شناسی استفاده کرده‌اند. برخی دیگر بحث کرده‌اند که فلسفه علم‌های اثبات‌گرایی، ابطال‌گرایی، برنامه پژوهش علمی لاکاتوش، پارادایم کوهن، پدیدارشناسی هایدگری و ... ظرفیت حمایت از ایده علم دینی را دارند. این تحقیق درصدد است ایده علم دینی را از منظر فلسفه علم با تاکید بر واقع‌گرایی انتقادی ارزیابی کند.

فصل اول

کلیات: مسئله، پیشینه، روش و مفاهیم مورد بحث در رساله

۱,۰. مقدمه

علم دینی را می‌توان ذیل یک جریان گسترده تحت عنوان تحول‌خواهی نسبت به علم رایج جایابی کرد. توضیح آنکه با شیوع دیدگاه تجربه‌گرایانه (در اشکال مختلف اثبات‌گرایی و ابطال‌گرایی و ...) در عرصه علوم (اعم از علوم انسانی، اجتماعی و طبیعی)، واکنش‌های بسیاری (برای مثال رویکردهای هرمنوتیکی، نظریه انتقادی، واقع‌گرایی انتقادی، علم مارکسیستی، علم فمینیستی، علم ضد استعماری، علم بومی و ...) در عرصه بین‌المللی نسبت به این جریان آغاز شد و هم‌اکنون نیز در حال انجام است. هر یک از این جریان‌ها به نحوی به مشکلات نظری و عملی علم رایج اشاره کرده و با ارائه دیدگاه‌های جدید، درصدد رفع آن مشکلات برآمده‌اند. دینداران نیز به نوبه خود درصدد برآمدند تا نسبت باورهای دینی خود را با معرفت علمی رایج ارزیابی کنند و سهم خود را در عرصه معرفت علمی مشخص سازند. این موضوع منجر به پیدایش جریان‌هایی شد که خواهان علم بودایی، هندویی، مسیحی، یهودی و اسلامی بودند. در جهان اسلام بحث از علم دینی (با عناوین مختلف اسلامی سازی معرفت، تولید علم اسلامی و ...) از دهه ۱۹۸۰ به صورت منسجم و ساختارمند در کشورهای مختلف اسلامی دنبال شده است.

البته بحث درباره علم دینی در ایران پس از انقلاب اهمیت مضاعف یافته است. مهم‌ترین انگیزه و دلیل در این زمینه، بررسی رابطه معرفت علمی و دینی در راستای احیاء تمدن اسلامی ایرانی است. بی‌شک بررسی و نقد دیدگاه‌های موجود در زمینه علم دینی از منظر یک نظریه فلسفی قوی، می‌تواند زمینه را برای دست‌یابی به یک

نظریه قابل دفاع به لحاظ نظری و توانمند به لحاظ عملی فراهم آورد. تحقیق حاضر با چنین انگیزه‌ای انجام شده است.

۱.۱. مسئله تحقیق

هر نظریه‌ای درباره علم دینی باید به پرسش‌های چندی پاسخ دهد که در این رساله درباره برخی از این پرسش‌ها به تفصیل بحث شده است:

۱. آیا علم دینی معنادار است؟
۲. با فرض معناداری علم دینی، آیا علم دینی ممکن است؟
۳. با فرض معناداری و امکان علم دینی، آیا تولید علم دینی مطلوب است؟
۴. با فرض معناداری، امکان و مطلوبیت علم دینی، آیا اقدام در زمینه علم دینی اخلاقی است؟
۵. با فرض معناداری، امکان، مطلوبیت و اخلاقی بودن علم دینی، آیا تولید علم دینی ضروری است؟
۶. با فرض معناداری، امکان، مطلوبیت، اخلاقی و ضروری بودن علم دینی، چه راهکارهایی برای تولید علم دینی پیشنهاد می‌شود؟
۷. با توجه به اقدامات بسیاری که در سالهای گذشته در زمینه علم دینی انجام شده است، چرا کماکان رویکرد پوزیتیویستی به علم در جامعه علمی سیطره دارد و علم دینی نتوانسته است دستاوردهای چشمگیری عرضه کند؟
۸. ایده علم دینی چه آینده‌ای خواهد داشت؟

۱،۲. پیشینه تحقیق

همان‌طور که اشاره شد موضوع علم دینی امروزه موضوعی کاملاً شناخته شده در عرصه بین‌المللی بوده و آثار متعددی در این زمینه نگاشته شده و اقدامات متعددی صورت گرفته و این امر موجب شده است تا برخی از محققان به بررسی تاریخی و فلسفی جریان‌ها و آراء اندیشمندان مسلمان در این زمینه بپردازند. برای مثال:

لیف اشتربگ، استادیار اسلام‌شناسی دانشگاه لوند سوئد، در کتاب **اسلامی سازی علم** (۱۹۹۶)^۱ که رساله دکترای وی بوده است، به بررسی دیدگاه سیدحسین نصر، اسماعیل فاروقی، ضیاءالدین سردار و موریس بوکای درباره مناسبات علم و دین اسلام و تأثیری که دین می‌تواند در عرصه علم‌ورزی داشته باشد پرداخته است.

کریستوفر فورلو نیز در کتاب **اسلام، علم و مدرنیته** (۲۰۰۵)^۲ که رساله دکتری فلسفه وی در دانشگاه فلوریدا بوده است، به جریان اسلامی سازی علم از ویرجینیا (مرکز جهانی اندیشه اسلامی) تا کوالالامپور (دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی و موسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی مالزی) اشاره می‌کند.

مایکل استنمارک، استاد فلسفه دین دانشگاه اوپسلا سوئد در کتاب **چگونگی ارتباط علم و دین** و مقاله **علم دینی** (۲۰۰۵)^۳ به بررسی دیدگاه مهدی گلشنی و آلون پلاتینجا درباره علم دینی می‌پردازد. پس از پاسخ گلشنی به استنمارک، آلن باتن در مقاله‌ای^۴ به جمع بندی و بررسی دیدگاه گلشنی و استنمارک می‌پردازد.

دیوید رادفورد^۵، استاد دانشگاه استرالیا جنوبی در مقاله خود با عنوان **علم و اسلامی سازی معرفت** (۲۰۱۲)^۶ به پیشرفت‌های علمی در جهان اسلام و واکنش آنها در قبال سکولاریزه کردن علم توسط غربی‌ها اشاره

1 . Stenberg, Leif (1996), *The Islamization of Science. Four Muslim Positions Developing an Islamic Modernity*, Stockholm: Almqvist & Wiksell International.

2 . Furlow. Christopher (2005) *ISLAM, SCIENCE, AND MODERNITY: FROM NORTHERN VIRGINIA TO KUALA LUMPUR*,

3 . Stenmark, M. (2005) *A Religiously Partisan Science*, *Theology and Science*, 3, No.1.

4 . Batten, A (2005). *A Religiously Partisan Science? Responses to Golshni and Stenmark*, *Theology and Science*, 3, no. 3.

5. David Radford

6 . *Science and the Islamisation of Knowledge*

می‌کند و شناخت ایده اسلامی سازی علوم و اقداماتی که در این زمینه انجام گرفته و در دست انجام است را ضروری قلمداد می‌کند.

خسرو باقری در کتاب **هویت علم دینی** (۱۳۸۲)، رویکردهای موجود در زمینه علم دینی را در قالب دو رویکرد استنباطی، رویکرد تهذیب و تکمیل علوم موجود و رویکرد تأسیسی دسته‌بندی کرده و پس از معرفی ضعیف و نقد جدی دو دیدگاه اول، از رویکرد تأسیسی دفاع کرده و از آن برای تولید علم دینی در حوزه علوم رفتاری استفاده کرده است. در این کتاب هیچ تلاشی برای آشکار سازی ظرفیت‌های موجود در دو نظریه اول صورت نگرفته، حال آنکه رویکرد تأسیسی پیشنهادی باقری بدون بهره‌گیری از این دو رویکرد عملاً منتج نخواهد بود.

در ویرایش دوم کتاب **علم دینی، دیدگاه‌ها و ملاحظات** (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰)، در قالب ۱۰ مقاله، سخنرانی، یا خلاصه کتاب، نظرات ده تن از موافقان و مخالفان علم دینی مطرح و درباره هر یک از دیدگاه‌ها، ملاحظاتی انتقادی بیان شده است. در این کتاب نیز تلاشی برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های هر یک از رویکردهای موافق و مخالف علم دینی، در ارائه الگویی جدید برای تولید علم دینی صورت نگرفته است.

کتاب **معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی** (سوزنجی، ۱۳۸۹) نیز به بررسی ۸ دیدگاه در زمینه علم دینی پرداخته است و هر یک از این دیدگاه‌ها را در حد یک مقاله معرفی و نقد کرده است، اما باز هم نشانه‌ای از تلاش برای همگرایی نظریات موجود و ارائه نظریه جدید که دربردارنده ظرفیت‌های مطلوب هر یک از این دیدگاه‌ها باشد، در این اثر دیده نمی‌شود.

در نیمه اول کتاب **روش شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان** (ایمان، ۱۳۹۲) دیدگاه نه تن از موافقان علم دینی داخل و خارج ایران بررسی و در نیمه دوم این کتاب واقع‌گرایی مفهومی خلاقانه به عنوان الگویی برای تولید علم دینی ارائه شده است.

جلد اول کتاب در جستجوی علم دینی (خسروپناه و همکاران، ۱۳۹۳) پس از معرفی مختصر برخی از دیدگاه‌های موافق و مخالف علم دینی در قالب جریان‌های غرب‌گرا، غرب‌گریز، غرب ستیز و غرب‌گزین، به معرفی مختصر الگوی حکمی اجتهادی پرداخته و در جلد دوم، کاربرد این الگو را در برخی از شاخه‌های علوم انسانی بررسی کرده است.

کتاب مبانی علوم انسانی اسلامی (شریفی، ۱۳۹۳) آخرین کتابی است که در معرفی و نقد دیدگاه‌های موافق و مخالف علم دینی پرداخته است.

در دهه‌های گذشته در بحث از علم دینی، از دیدگاه‌های مختلف فلسفه علمی بهره گرفته شده است. برخی در اثبات امتناع علم دینی از فلسفه‌های علم اثبات‌گرایی، ابطال‌گرایی، عقل‌گرایی انتقادی، پدیدارشناسی استفاده کرده‌اند (رک: نراقی (۱۳۷۳)، پایا (۱۳۸۶)، سروش (۱۳۹۰)، عبدالکریمی (۱۳۹۱))، برخی دیگر بحث کرده‌اند که حتی فلسفه علم‌های اثبات‌گرایی و ابطال‌گرایی ظرفیت حمایت از ایده علم دینی را دارند (رک: باقری (۱۳۸۲)، زیباکلام (۱۳۹۰)) و برخی در چارچوب فلسفه علم‌های لاکاتوشی، کوهنی، فایریندی و مکتب ادینبورایی از علم دینی حمایت کرده‌اند (رک: باقری (۱۳۸۲)، زیباکلام (۱۳۹۰)). اما تا کنون در ارتباط با قابلیت‌های فلسفه علم واقع‌گرایی انتقادی در حمایت از ایده علم دینی کارهای اندکی انجام شده است. به عنوان نمونه می‌توان به مصاحبه‌های و یادداشت‌های دکتر عماد افروغ (۱۳۸۶ الف و ب)، مروج اصلی فلسفه علم واقع‌گرایی انتقادی در ایران و مقاله‌ای از نجف پور و همکاران (۱۳۹۲) اشاره کرد. مروری بر این آثار نشان می‌دهد که ابعاد مختلفی از مسئله علم دینی در آنها بررسی نشده است. تحقیق حاضر در ارزیابی ایده علم دینی از منظر فلسفه علم، بر رویکرد واقع‌گرایی انتقادی تاکید خواهد داشت.

۱.۳. اهداف تحقیق

هدف تحقیق حاضر آن است که ضمن بهره‌گیری از نظریه‌های مطرح در حوزه فلسفه علم، به ویژه نظریه واقع

گرایی استعلایی، دیالکتیکی و انتقادی بسکار:

۱. تعدادی از دیدگاه‌های موجود موافق و مخالف علم دینی در جهان اسلام را بررسی کرده،

۲. ظرفیت‌ها و محدودیت‌های هر یک از این دیدگاه‌ها را شناسایی کند،
۳. از ظرفیت‌های موجود دیدگاه‌های مطرح شده، به خصوص واقع‌گرایی انتقادی، برای ارائه نظریه‌ای جدید استفاده کند،
۴. به بررسی علل تداوم رویکرد رایج و عدم شکل‌گیری علم دینی، علی‌رغم تلاش‌های بسیاری که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران انجام شده است، پردازد.
۵. و آینده ایده علم دینی را بررسی کند.

۱.۴ مبنا و روش تحقیق

در ارزیابی ایده علم دینی در این تحقیق از دیدگاه‌های مختلف فلسفه علمی استفاده می‌شود. اما از آنجا که دیدگاه‌های اثبات‌گرایی، ابطال‌گرایی، عقل‌گرایی انتقادی و ... به تفصیل در کتب و مقالات فارسی معرفی شده‌اند، در این تحقیق تاکید بر دیدگاه رئالیستی، استعلائی، دیالکتیکی و انتقادی آندرو سایر که امروزه بیشتر تحت عنوان واقع‌گرایی انتقادی شناخته می‌شود، خواهد بود.

واقع‌گرایی انتقادی جریان جدیدی در عرصه علم‌شناسی است که در مواجهه با واقع‌گرایی خام پوزیتیویستی و ایدئالیسم استعلایی هرمنوتیکی که دو جبهه اصلی طبیعت‌گرایی و ضدطبیعت‌گرایی را تشکیل می‌دهند، شیوه‌ای جدید برای مطالعه در عرصه علوم طبیعی و اجتماعی پیشنهاد کرده است.

این جریان در دهه هفتاد میلادی با محوریت روی بسکار^۱ (۱۹۴۴-۲۰۱۴) بنیان نهاده شد تونی لاونسن^۲، رم هره^۳، آندرو سایر^۴، مارگارت آرچر^۵، آندرو کالیر^۶، ویلیام اوتویت^۷، تدبتون^۸، پیتر منیکاس^۹، آلن نری^{۱۰}، روی ادگلی^{۱۱}، هاگ لیزی^{۱۲}، داگلاس پورپورا^{۱۳} و .. توسعه پیدا کرد (رجبی، ۱۳۹۱ و افروغ، ۱۳۹۴).

بسکار در کتاب نظریه رئالیستی علم (۱۹۷۵)، واقع گرایی استعلائی را در تقابل با واقع گرایی تجربی (دیدگاه-های تجربه گرایانه اثبات گرایان و ابطال گرایان) و ایدئالیسم استعلائی (دیدگاه هرمنوتیکها) مطرح کرد. وی در گام اول به تبع تحلیل استعلائی کانت از شرایط امکان شناخت تجربی پرسش می کند. تفاوت تحلیل استعلایی کانت و بسکار در این جاست که کانت به تبع رویکرد ایدئالیستی اش به شروط انفسی شناخت تجربی تاکید کرد و به مقولات دوازده گانه ذهنی رسید. در مقابل بسکار به تبع رویکرد رئالیستی اش به شروط آفاقی شناخت تجربی توجه کرده و این پرسش را مطرح می کند که جهان چگونه باید باشد تا علم تجربی ممکن گردد. پاسخ رئالیست های انتقادی به این پرسش، جنبه های مختلف هستی شناسی رئالیستی این دیدگاه را آشکار می سازد:

۱. جهان، مستقل از معرفت ما درباره آن وجود دارد.

۲. در جهان، ضرورتی وجود دارد؛ و موضوعات - چه طبیعی و چه اجتماعی - الزاما برخوردار از نیروهای علی یا

شیوه های عمل و قابلیت های خاص اند.

-
- 1 .Roy Bhaskar
 - 2 .Tony Lawson
 - 3 . Rom Harre
 - 4 . Andrew Sayer
 - 5 . Margaret Archer
 - 6 . Andrew Collier
 - 7 . William Outhwaite
 - 8 . Ted Benton
 - 9 . Peter Manicas
 - 00 . Alan Norrie
 - 11 . Roy Edgley
 - 22 . Hugh Lacey
 - 33 . Douglas Porpora